

مبانی پذیرش بدیل حبس با تأکید بر خدمات عامه در نظام جزایی افغانستان

حشمت‌الله رضایی

عضو کادر علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

چکیده

دیدگاه‌های کیفرشناسی نوین، جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی درصدد درمان و اصلاح مجرمان و بازپروری آنان می‌باشند. این امر باعث شد واکنش‌های کیفری و اجتماعی که هم جنبه تنبیهی-ارعایی دارد و هم جنبه درمان و اصلاح ایجاد گردد. در همین راستا دیدگاه‌های فوق هم باعث اصلاح سازمان مندی زندان و حذف برخی از مجازات بدنی و هم باعث ایجاد جایگزین متناسب کیفر زندان شد. در تبعیت از دیدگاه‌های مزبور سیاست تقنینی افغانستان سیاست جایگزین کیفر حبس را پیش‌بینی نموده و دامنه قلمرو کیفر حبس را تحدید و آن را به کیفر جایگزین حبس تبدیل نموده است.

تحقیق حاضر در نخست به بررسی مبانی پذیرش مجازات جایگزین کیفر حبس در نظام حقوقی افغانستان پرداخته و سپس تأملی بر حکم به خدمات عامه در کد جزای افغانستان داشته که با روش توصیفی-تحلیلی داده‌های مربوط به پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان داد که نارسایی مجازات سلب آزادی، تأثیر اندیشه‌های مکاتب کیفری و ویژگی‌های جایگزین حبس مبانی پذیرش سیاست جایگزینی بوده و زمینه پذیرش آن را فراهم نموده است یکی از نمادهای عمده مجازات جایگزین حبس، خدمات عام‌المنفعه هست که با توجه به شرایط و الزامات مربوط به محکوم‌علیه، محکمه و نهاد دریافت‌کننده خدمت قابل‌اعمال، تعلیق و تبدیل است.

واژه‌های کلیدی: خدمات عام‌المنفعه، مجازات جایگزین کیفر حبس، کد جزا، رهایی مقید.

۱- مقدمه

بدیهی است که اهداف اساسی و مستمر سیاست جنایی دولت‌ها حفظ انسجام جامعه برای تداوم حیات اعضای جامعه است. انسجام و حیات با توجه به نیازهای اساسی افراد جامعه از قبیل آزادی، مصونیت، عدالت و توسعه ممکن از سوی یک عده (مجرمان)، مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد. از این رو پاسخ به این امر از سوی هیئت اجتماع (دولت) با راهکارها و سازه‌های متفاوت صورت می‌پذیرد. (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۶: ۱۱) یکی از راه‌های بارز، استفاده از ابزار کیفری و غیر کیفری در سیاست جنایی دولت‌ها است. در سال‌های اخیر اکثر نظام‌های پاسخ‌گو به جرم تلاش دارند تا با اتخاذ تدابیر درمان‌مدار زمینه اصلاح مجرمان و بازگشت آن‌ها را به جامعه فراهم سازند و تا حد امکان بافاصله گرفتن از حقوق تنبیهی از حذف و یا طرد بزهدار جلوگیری کنند. در همین راستا، اکثر کشورها درصدد ایجاد سیاست جنایی غیر کیفری با استفاده از ظرفیت اجتماعی جامعه در تحقق اصلاح و درمان مجرمان کوشیده‌اند. اقدامات همچون: دوسیه شخصیت، فردی کردن قضایی مجازات،^۲ کیفر زدایی^۳ جانشین-های کیفر حبس از جمله ابزارهای مناسب در جهت تحقق هدف مزبور بوده که برحسب آمار انتشار یافته از سوی دولت‌ها، اصلاح و درمان مجرمان را در پی داشته است (والهی و احسان پور، ۱۳۹۴: ۲۴۹).

سیاست جنایی افغانستان با توجه به پس‌منظر تاریخی آن، از دیرزمان به این سو از سیاست جزا‌گرایی در راستای تحقق اهداف خویش عمل نموده‌اند. از قوانین و احکام عرفی گرفته تا احکام قوانین مدون در سده اخیر برای مجرمان در جامعه افغانستان از کیفرهای استفاده شده که با صورت‌های عینی اهداف اعمال مجازات چندان نزدیک نبوده است؛ اما در دو دهه اخیر با در نظر داشت نظریه‌های مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی و سازه‌های نوین کیفر شناسی؛ سیاست جنایی افغانستان نیز متحول شده و در آن اقدامات واکنشی دولت به صورت غیر کیفری (بدیل‌های حبس) را نیز نشان می‌دهد که این امر، تحقق عمده‌ترین هدف مجازات (اصلاح و درمان) مجرم را میسر می‌نماید. سیاست جنایی در نخست راهکارهای غیر کیفری را با توجه به مبانی سطحی آن صرفاً درباره قشر خاصی از جامعه وضع نموده بود که در این رابطه می‌توان از احکام قانون رسیدگی به تخلفات اطفال یاد نمود. دیری نگذشت که با وضع قانون جدید در سیاست تقنینی افغانستان بدیل‌های حبس به صورت عمومی مدنظر گرفته شد و جانشین‌های کیفر حبس را در کد جزا به‌عنوان واکنش غیر کیفری لحاظ نمود. تحقیق حاضر درصدد آن است تا روشن نماید که مبانی پذیرش بدیل‌های حبس در سیاست جنایی افغانستان کدام‌ها اند و برای اعمال حکم به خدمات عامه چه احکامی نیاز است؟ تحقیق فعلی به صورت توصیفی-تحلیلی انجام یافته و داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده که به تبیین و تحلیل مبانی مجازات جایگزین حبس و تأملی بر انجام خدمات عامه در نظام حقوقی خواهد پرداخت. این نوشتار در سه مبحث ابتدا به توضیح و تحلیل مفاهیم و در ثانی مبانی پذیرش مجازات جایگزین حبس را در کد جزا روشن می‌نماید. سپس به توضیح و تحلیل دامنه و احکام حاکم بر خدمات عامه به‌عنوان با استفاده شده مجازات جایگزین حبس مندرج کد جزا خواهد پرداخت.

ب: مفاهیم پژوهش

در این بخش با در نظر داشت ابعاد موضوعی پژوهش در طی پنج شماره به بررسی مفاهیم اصلی و مرتبط پرداخته و آن را به بحث می‌گیریم:

۱. **مفهوم مجازات:** مجازات یا کیفر در لغت به معنی «سزای عمل کسی را دادن» آمدن است و هم‌چنین مجازات را به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنی کرده‌اند. کیفر دادن نیز به معنای به مجازات رساندن و جزای عمل کسی را دادن است.

¹ Personality File

² Judicial Individualization of Punishments

³ De-retribution

در اصطلاح حقوق معاصر، عبارت است از: واکنش جامعه در مقابل فعل ضداجتماعی که به وسیله قانون جرم شناخته شده است. از نظر حقوقدانان، مشتقی که مقنن بر مجرم تحمیل می‌کند، مجازات یا کیفر نامیده می‌شود. آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی در تعریف مجازات می‌نویسد: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب، مشخصه حقیقی مجازات است.» از نظر فلاسفه، مجازات مشتقی است که هیئت جامعه به منظور تلافی و قصاص جامعه و اصلاح و تصفیه اخلاق مجرم و مصونیت جامعه از اضرار وضع می‌کند. با توجه به تعاریف ذکر شده و در ارتباط جزا، مجازات را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجازات واکنشی اجتماعی است که در قانون برای یک جرم پیش‌بینی شده و بعد از حکم قطعی محکمه باصلاحیت بالای مجرمین مسئول تطبیق می‌شود» از این‌روی، بالای مجرمین غیرمسئول مجازات تطبیق نمی‌شود؛ بلکه نوعی دیگر از واکنش جامعه که عبارت از تدابیر امنیتی است اعمال می‌شود.

۲. **مفهوم حبس:** حبس یک واژه عربی بود حبس که به معنای سجن آمده است که در زبان فارسی حبس در لغت به معنای بازداشتن و بازداشت کردن است و به لحاظ کاربردی به دو مفهوم به کاررفته است یکی اباحه منافع در جهتی یا شخص معین و دوم به معنای زندانی کردن (دهقان، ۱۴۰۰: ۳). حبس از نظر حقوق جزا عبارت از سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود است به طوری که در زمان آن، حالت انتظار تریخیص وجود نداشته باشد (اکبری، ۱۳۹۶: ۷۸).

۳. **مفهوم جایگزین:** یکی از خصیصه‌های اساسی در رشته حقوق، این است که هر واژه به لحاظ کاربردی معنی و آثار خاصی را افاده می‌کند از همین رو خوب خواهد بود که مفهوم جایگزین، جانشین و بدیل را که امروزه اکثراً از سوی حقوقدانان استفاده و کاربرد دارد به صورت مختصر توضیح و تبیین نماییم:

• **جایگزین:** عبارت از اصطلاحی است که به صورت عوض یا بدیل یک شی به جای شی دیگر استفاده می‌شود جایگزین یک مفهوم اعتباری و قراردادی هست که اعضای جامعه یک چیز را جایگزین چیز دیگر می‌سازد. از جایگزین تا زمانی استفاده می‌شود که کارکرد و فعالیت اصیل خود را محقق سازد از این‌رو ممکن است با توجه به متغیرهای موجود در جامعه گاه و ناگاه در تغییر باشد. این سخن به این معنی است که در صورت عدم رعایت مقررات مربوط به جایگزین و عدم تحقق اهداف اعمال آن؛ مراجعه به اصیل لازم می‌نماید.

• **جانشین:** عبارت از اصطلاحی است که در مواردی کاربرد دارد که شخص دوم پس از شخص اول می‌آید و در جای او استقرار می‌یابد. به آن خلیفه گوید خلیفه کسی است که جانشین شخصی غیر از خودش گردد، چه آن شخص که در اینجا از او نیابت شده غائب باشد، چه مرده باشد، چه ناتوان باشد و چه به خاطر بزرگداشت و تکریم او، نائب؛ جانشینش شده باشد. چنانچه خداوند انسان را روی زمین خلیفه (جانشین) خویش قرار داده است^۴ (توجهی و زارع، ۱۳۹۸: ۱۵).

• **بدل:** بدل نیز عبارت از اصطلاحی است که در مواردی به کار می‌رود که چیزی جای چیزی دیگری را که از بین رفته می‌گیرد. در این مورد چنین بیان شده است: «هُوَ قِیَامُ الشَّيْءِ مَقَامَ الشَّيْءِ الذَّاهِبِ. یَقَالُ هَذَا بَدَلُ الشَّيْءِ وَ بَدِیْلُهُ» بنابراین، آنچه در مورد معنای بدل صدق می‌کند این است که در نخست شی (چیز) اصیل کاملاً از بین رفته و بدلی جای آن را می‌گیرد و در ثانی خصوصیات و اوصاف اصیل به بدل انتقال نمی‌یابد. ثالثاً بدل دارای ثبات و دوام بوده که تبدیل و تزلزل در آن راه ندارد (توجهی و زارع، ۱۳۹۸: ۱۶).

با توجه به توضیحات فوق چنین نتیجه به دست می‌آید که جایگزین حبس دارای آثار و خصوصیات اصیل خود یعنی مجازات حبسی است و حیثیت مجازات اصلی را پیدا می‌نماید. در صورت عدم برآورده ساختن آثار و خصوصیات مزبور، مقنن مراجعه قاضی را به اصیل حتمی و ضروری می‌داند از همین رو قانون‌گذار ما در کد جزا صدور حکم به مجازات جایگزین حبس را به حیث رهایی مقید قلمداد نموده است.^۵ (کد جزا، ۱۳۹۶: ۱۴۸) حال آنکه در مجازات بدلی که نمونه‌های بارز آن در نظام

۴. «... انی جاعل فی الارض خلیفه ...» سوره بقره آیه ۳۰

۵. در زمینه اعمال و تطبیق مجازات جایگزین حبس قانون‌گذار در ماده ۱۴۸ کد جزا چنین مشعر است: «بدیل حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می‌گردد».

حقوقی اسلام ملاحظه می‌گردد، چنین ویژگی وجود ندارد؛ بدین معنی، در صورت حکم به مجازات بدلی راه برگشت به اصل وجود نداشته و مجازات بدلی مفهوم مستقل و اصیل به خود می‌گیرند.

۴. مفهوم خدمات عامه: خدمات عامه یک واژه ترکیبی بوده است که در نظام حقوقی افغانستان به صورت کاربردی آن به مصادیق مختلف انجام فعالیت‌های رایگان و بدون مزد گفته می‌شود که برای یک نهاد دولتی یا نهادهای خیریه صورت می‌پذیرد. اگر بخواهیم این واژه ترکیبی را به صورت دقیق مورد کنکاش قرار دهیم، لازم می‌نماید که تا هر بخش از این کلمه ترکیبی را به صورت جداگانه در لغت و اصطلاح به بررسی گیریم؛ لذا در ذیل دو شماره اول مفهوم خدمات، دوم مفهوم عام‌المنفعه به بررسی گرفته می‌شود:

- مفهوم خدمات: خدمات لفظ جمع بوده که در فرهنگ لغات به معنای خدمت‌ها، فعالیت‌ها، کارها و خدمت‌گزاری‌ها آمده است. (خدمات/ abadis.ir/fatofa) در اصطلاح خدمات به هرگونه فعالیت یا مزیت گویند که از یک طرف به طرف دیگر ارائه می‌شود و لزوماً نامحسوس است و مالکیت چیزی را به دنبال ندارد. (<https://www.chetor.com/35609>)

- مفهوم عام‌المنفعه: عام‌المنفعه در لغت عبارت از فعالیتی است که به همه بهره‌رساند و شامل همه مخلوق گردد یا انجام فعالیتی که سود یا منفعت آن به عموم برسد. (<https://www.vajehyab.com/moein/>)

- مفهوم خدمات عامه: خدمات عامه یا خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه صورت می‌گیرد (خالقی، ۱۳۸۶: ۳). کار عام‌المنفعه نهادی است که به موجب آن دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای ارتكابی خویش برآید (واحدی، ۱۳۸۷: ۳۱). کیفر خدمات عام‌المنفعه، کار مجانی - به مقدار و ساعت معین و با موافقت محکوم - برای یک مؤسسه، اتحادیه یا نهاد عمومی، تحت نظارت قاضی اجرای کیفرها اعمال می‌شود (کاشفی، ۱۳۸۰: ۳۶). طبق کد جزای افغانستان خدمات عامه عبارت از کاری است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد یا بدون آن، محکوم می‌گردد (کد جزا، ۱۳۹۶: ماده ۱۶۲).

۵. مفهوم مجازات جایگزین حبس: مجازات جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت اجرای کیفی با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع‌محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و نا ضروری است بکار گرفته می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۵۴۰).

ج: مبانی پذیرش مجازات جایگزین حبس

به نظر می‌رسد توسل به مجازات جایگزین حبس ممکن است موجب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از فروپاشی خانواده زندانی، استفاده از نیروی کار مجرم در جامعه، جبران خسارت بزه دیده و رویکرد انسانی و کرامت مدار نسبت به بزهکار شود (غلامی و ملکی، ۱۳۹۴: ۱۶۶). در نتیجه این تغییر راهبردی در حوزه مجازات، مفهوم جایگزین‌های حبس به ادبیات علمی حقوق کیفری افزوده شد. در تعریف این نوع از مجازات باید گفت: مجازات جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت اجرای کیفی با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع‌محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و نا ضروری است بکار گرفته می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۵۴۰). حال با توجه به توضیحات فوق مبانی پذیرش مجازات بدیل حبس در طی سه شماره؛ نخست ناکارآمدی مجازات حبس، سپس تأثیر اندیشه‌های دانایان علم کیفر شناسی در تعمیم مجازات جایگزین حبس و در اخیر مزایای مجازات جایگزین حبس؛ ذیل به بحث گرفته می‌شود.

۱. ناکارآمدی و نارسایی مجازات حبس

با ارتکاب جرم توسط مجرم، روابط فردی و اجتماعی وی، دچار آسیب‌ها و دگرگونی‌های مختلف می‌گردد. الزاماتی که از اثر وضعیت جدید نسبت به فرد ایجاد می‌گردد؛ پاسخ‌دهی مطلوب به آن مستلزم برنامه‌ریزی دقیق هم در سطح روابط فردی، هم در سطح روابط خانوادگی و هم در سطح روابط اجتماعی است (کریمی، ۱۴۰۰: ۳). عمده‌ترین الزاماتی که بایستی به آن توجه بیشتر نمود این است که برنامه مناسب و تدابیر عینی برای اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرم فراهم گردد. ضرورت تعدیل

جمعیت کیفری زندان‌ها از یکسو و عدم موثریت راهکار زندان نسبت به برخی از مجرمانی که از جایگاه اجتماعی بالاتر یا خطر کمتری به جامعه برخوردارند از سوی دیگر باعث شده است که معایب زندان بیشتر از پیش رونما گردد. از همین رو معایب مجازات حبس را ذیلاً طی سه فقره به بحث گیریم:

- هزینه‌های اقتصادی حبس

حبس منجر به هدر رفتن نیروی انسانی جامعه می‌گردد. در هر جامعه‌ای که نیروهای انسانی چنانچه تبدیل به نیروهای هزینه‌بر شوند، به همان اندازه جامعه مزبور منابع خویش را از دست می‌دهند. زندانیان اکثراً در سنین جوانی و میان‌سالی‌اند. این افراد در بهترین دوران کارآمدی خویش به سر می‌برند (کریمی، ۱۴۰۰: ۴). در طی مدت حبس از یکسو جامعه از فعالیت و منفعت کار آنان محروم می‌شود و از سوی دیگر نیز هزینه‌های گزافی جهت نگهداری آنان از سوی دولت (جامعه) تحمیل می‌شود. هزینه‌های اقتصادی ناشی از مجازات حبس را به‌صورت مشخص قرار ذیل می‌توان بیان نمود:

1. اتلاف منابع انسانی؛
2. هزینه‌های ساخت زندان و مدیریت آن؛
3. هزینه‌های نگهداری و پشتیبانی؛
4. فقر مالی خانواده؛
5. انفصال شغلی؛
6. افزایش میزان بیکاری؛
7. افزایش اختلافات خانوادگی فرد زندانی.

- عدم تعمیم اصل شخصی بودن در مجازات حبس

یکی از اصول حاکم بر مجازات این است که مجازات فقط فرد مجرم را شامل شود. این سخن به این معنی است که از اثر مسئولیت جزایی فقط فرد مجرم متحمل مشقت و سختی گردد حال آنکه در مجازات حبس در موارد زیادی، خانواده‌ها و افراد وابسته به فرد زندانی نیز در قبال حبس شدن دچار سختی و مشقت شده در برخی از حالات سرپرست و اعضای خانواده او نیز دچار آسیب‌های روحی، مالی و حیثیتی می‌شوند (اکبری، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

- بیکاری و طرد اجتماعی

مجازات نزد اکثر مکاتب کیفری متأخر به‌عنوان داروست که بایستی درمان به بار آورد. یکی از آثار مخرب زندان یا مجازات حبس بیکار نمودن فرد زندانی است. معمولاً افرادی که محکوم به جزای حبس می‌شوند پس از آزادی به اجتماع بازمی‌گردند، اما دریافتن شغل و بهره بردن از حقوق اجتماعی به لحاظ بی‌اعتنا شدن اعضای جامعه مورد پذیرش جامعه قرار نمی‌گیرند و عملاً از چرخه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خویش ممکن است خارج شوند (کریمی، ۱۴۰۰: ۶) و (مجیدی بیدگلی و صفا کیش کاشانی، ۱۳۸۶: ۸۶).

- عدم جداسازی و تفکیک درست زندانیان

اصل بر این است که افراد زندانی با توجه به معیارهای مختلف دسته‌بندی شوند؛ معیارهای همچون: سن، جنس، نوع جرم، شخصیت مجرم و سابقه جرمی در خیلی از کشورها مدنظر گرفته نمی‌شود. در کشور عزیز ما به معیار سن و جنس توجه نموده و بر اساس آن زندانیان دسته‌بندی شده است؛ اما با توجه به عدم کافی بودن امکانات نگهداری محبوسان و کثرت جمعیت زندانیان و عدم امکان طبقه‌بندی آنان، بسیاری از زندانیان با موضوع سبک و کم‌اهمیت، در کنار مجرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار؛ آموزش منفی و خطرناک را کسب کرده و پس از آزادی مجدداً به سراغ ارتکاب جرائم سنگین و مهم می‌برایند (محسنی، ۱۳۸۷: ۷).

- زایل نمودن احساس مسئولیت

یکی از نتایج نامطلوب مجازات حبس این است که فرد زندانی در طول مدت تحمل حبس، به سرخوردگی، تن‌پروری و تنبلی عادت نموده و باعث از بین رفتن احساس مسئولیت فرد زندانی می‌گردد. از این‌رو ممکن است شخص پس از سپری

کردن مدت حبس دیگر جایگاه اصلی خویش را در خانواده و جامعه خویش از دست دهد. با توجه به اثر و نتیجه فوق این امکان وجود دارد که فرد آزادشده از زندان جهت برگشت دوباره به زندان مرتکب جرم جدید شود. (مجیدی بیدگلی و صفا کیش کاشانی، ۱۳۸۶: ۸۷) و (اکبری، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

• آموزش و انتقال آداب غلط

در محیط زندان واژه‌ها و اصطلاحاتی میان زندانیان رایج است که مطلوب جامعه نیست. معمولاً افراد زندانی حسب عادت پس از آزادی، این واژه‌ها و اصطلاحات و حتی رفتارهای رایج در زندان را به بیرون از زندان برده و در محیط‌های اجتماعی به کار می‌برند که موجب ترویج آن‌ها میان جوانان و دیگر افراد می‌شوند (بیگی، ۱۳۹۸: ۴۷۸).

۲. تأثیر دیدگاه‌های مکاتب کیفری در ایجاد سیاست جایگزین حبس

جان هوارد از نخستین کسانی بود که برای اولین بار آثار زیان‌بار زندان را نسبت به محکومین از طریق مشاهدات عینی زندان‌های کشورهای اروپایی بیان نمود، او در سال ۱۷۷۷ میلادی نتایج تحقیقات و مشاهدات خویش را منتشر نمود که در اثر آن شرایط نامطلوب زندان‌ها بیش‌ازپیش به نمایش گذاشت. حدود یک دهه پس از نظریات دربارهٔ تبعات مضر و زیان‌بار زندان با انقلاب کبیر فرانسه آراء و عقاید دانشمندان باعث ایجاد مکاتب کیفری گردیده و بستر نوع‌دوستی و بشردوستی وافر را در جامعه آن روز بیش‌ازپیش ساخت.

گرایش به سیاست تحدید کیفر حبس به حدی زیاد شد تا اینکه مکاتب کیفری سیاست جایگزین کیفر حبس را به دول پیشنهاد نمودند که اینک شمه از دیدگاه‌های آن‌ها مختصراً به بحث می‌گیریم:

• مکتب کلاسیک: دانشمندانی چون منتسکیو، روسو، بکاریا و بنتام از بنیان‌گذاران این مکتب است. به عقیده بکاریا شدت در کیفری عامل بازدارنده نیست بلکه نوع مجازات و شیوه اجرای آن است که زمینه پیشگیری از ارتکاب دوباره جرم را نزد مجرم فراهم می‌سازد (اکبری، ۱۳۹۶: ۴۶). اگرچه پیروان این مکتب از زندان و مجازات سالب آزادی حمایت می‌کنند، اما آنچه زمینه سیاست‌گذاری جایگزین حبس را در این مکتب فراهم می‌نماید؛ تحدید قلمرو مجازات سالب آزادی و شیوه اجرای مجازات حبس است. چنانکه بن‌ویل دومارسنگی؛ یکی از پیروان این مکتب، آزادی مقدماتی را در سال ۱۸۴۶ در هنگام گشایش جلسه محکمه رنس در فرانسه پیشنهاد کرده بود (احمدی، بی‌تا: ۵). پیشنهاد مزبور بعدها در چندین کشور تحت عنوان «آزادی مشروط» یا «پاول» پذیرفته شد.

• مکتب تحقیقی: در پایان سده ۱۹ اندیشمندان چون: لمبروزو، انریکوفری، گاروفالو بر مبنای روش‌های علمی و با توسل به علوم زیست‌شناسی (بیولوژی) جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، اندیشه‌های جدیدی را در زمینه علل ارتکاب جرم و نحوه واکنش اجتماع به آن ابراز داشتند. پیروان این مکتب معتقد بودند که جرم یک پدیده طبیعی است و مجرمین در ارتکاب آن فاقد مسئولیت اخلاقی و فاقد اراده آزادند. دولت‌ها با توجه به شخصیت بزهکار تدابیر و اقدامات متناسب را برای مبارزه باحالت خطرناک افراد پیشنهاد نمودند (پرادل، «نجفی ابرندآبادی»، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

بر اساس نظریات لمبروزو انسان‌شناس ایتالیایی مجرم به دسته و صنف‌های مختلف تقسیم می‌گردند که از جمله مجرمین اتفاقی و هیجانی که دارای حالت خطرناکی کمتری هستند، مستحق تدابیر خفیف‌تری می‌باشند. از همین رو برای گروه اول زندان درازمدت محکومیت با تعلیق در صورت موافقت مجنی علیه نگه‌داری در اردوگاه کشاورزی یا صنعتی به مدت معین و برای گروه دوم صرفاً جبران خسارت وارده بر مجنی علیه را پیش‌بینی می‌کند (پرادل «نجفی ابرندآبادی»، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

بر اساس نظریات فری جامعه‌شناس معروف معتقد بود که اعمال انسان تحت سه دسته عوامل: نخست عوامل انسان-شناختی (مربوط به شخص بزهکار، ساختمان جسمانی، خصوصیات شخصی مانند «نژاد، جنس، احوال شخصیه، پیشه، خانه، طبقه اجتماعی، تعلیم و تربیت)، دوم عوامل محیطی (آب، هوا، ماهیت خاک، نظم روزها و شب‌ها، فصل‌ها، دمای هوا، شرایط جوی، تولیدات کشاورزی) و سپس عوامل اجتماعی (تراکم متفاوت جمعیت، وضعیت افکار همگانی و مذهب، ساختار خانواده، نظام آموزشی تولیدات صنعتی، نظام سیاسی، اقتصادی و کیفری و گرایش به مصرف‌الکل) شکل می‌گیرد (پیشین، ۱۳۹۳: ۱۰۱). بر اساس دیدگاه فری هر فرد مسئولیت اجتماعی دارد به همین دلیل مسئولیت کیفری هر شخص بر مبنای مسئولیت

اخلاقی او استوار نیست بلکه بر خطرناکی فرد مبتنی است. فری تعدادی زیاد بی‌شماری از تدابیر اجتماعی را پیش‌بینی می‌نماید. تردید فزاینده‌ای که نسبت به مجازات حبس وجود دارد باعث می‌شود تا بازداشت احتیاطی (که موجب صدور حکم حبس‌های کوتاه‌مدت می‌شود) تقلیل یابد و بدیل‌های که «جانشین یا جایگزین نام دارند، مانند خدمات عمومی، جریمه روزانه و محرومیت از حقوق، به‌جای آن توسط این مکتب متصور گردد (احمدی، بی‌تا: ۶).

۳. مزایای مجازات جایگزین حبس

همان‌طوری که در فوق ذکر شد اصلی‌ترین عامل استفاده از جایگزین حبس ناکارآمدی مجازات حبس بوده اما با آن هم در ایجاد نهادهای جایگزین حبس و بدیل آن آثار مثبت و مؤثر بدیل‌های حبس نیز بی‌تأثیر نبوده است (مهدوی فر و اندزقی، ۱۴۰۰: ۷۲۷). اهدافی که ضمانت اجراهای بدیل یا واکنش‌های جایگزین حبس دنبال می‌کنند معیاری برای بررسی ارزش آن‌ها تلقی می‌شود هرچند اختلاف در نوع جایگزین‌ها ارزش یکسانی در تعیین تحقق اهداف نظام جزایی ندارد اما به‌صورت کل همه کشورهای از اعمال سیاست جنایی جایگزین حبس به‌صورت عمده و عملی اهداف زیر خواهان‌اند:

- اصلاح و بازپروری مجرم؛
- کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها؛
- کاهش هزینه‌های اقتصادی جامعه (بیگی، ۱۳۹۸: ۴۷۹).

د: خدمات عام‌المنفعه (معمول‌ترین نوع مجازات جایگزین حبس در کد جزا)

در نظام حقوقی افغانستان که طی سالیان متمادی جزاهای سنگین نسبت به مجرمین اعمال می‌شده، باید گفت که رد پای تحدید و تبدیل مجازات حبس را به مجازات جایگزین حبس در واپسین سال‌های قرن ۱۴ هجری خورشیدی؛ پس از تحول و پیشرفتی که در افغانستان رونما گردید؛ جستجو نمود که سیاست تقنینی افغانستان نیز از این تحول و پیشرفت بی‌تأثیر نمانده است. از این‌رو اسناد تقنینی درگرو این تغییر مترقی شده و زمینه تقنینی واکنش‌های کیفری خفیف و واکنش‌های غیر کیفری را فراهم نموده است. اینک چند مورد از این تغییر مثبت و مؤثر سیاست تقنینی را به‌صورت فهرست‌وار در آخرین سند تقنینی کیفری (کد جزای افغانستان) نام می‌بریم:

۱. کاهش مصادیق مجازات اعدام در کد جزای افغانستان
۲. پیش‌بینی حالات مختلف و متنوع مخففه جزایی
۳. افزایش سطح جرائم قابل گذشت
۴. پیش‌بینی مجازات جایگزین حبس
۵. پیش‌بینی دامنه وافر مصادیق مجازات جایگزین حبس

مجازات جایگزین حبس یکی از واکنش‌های اجتماعی است که در این اواخر اکثر دولت‌ها در نظام حقوقی‌شان با توجه به معیارهای خاص ارزشی، اجتماعی و عرفی مروج در جامعه‌شان در قوانین جزایی خویش پیش‌بینی نموده اند (احمدی، ۱۳۹۸: ۸). در این زمینه ماده ۱۴۹ کد جزای افغانستان معیاراتی که در تعیین مجازات جایگزین حبس لحاظ نموده عبارت از: ۱. نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، ۲. شخصیت مجرم، ۳. سابقه جرمی مرتکب، ۴. وضعیت مجنی‌علیه، ۵. نتایج جرمی؛ است. ۶. (دهقان، ۱۴۰۰: ۴).

چنانچه در فوق بیان شد؛ مقنن برای اعمال مجازات جایگزین حبس معیاراتی به‌صورت منجز بیان نموده که با توجه به آن، مجازات جایگزین حبس در انواع مختلف بیان‌شده است (والهی و احسان پور، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

بدیهی است که اثبات و به دست آوردن معیارات مندرج ماده ۱۴۹ به عهده محکمه است. برپرس این‌که معیارات مذکور محرز شود محکمه صلاحیت دارد با توجه به انواع مختلف مجازات جایگزین حبس یکی از آن‌ها که به حال مرتکب مناسب باشد را به شکل‌هایی موقت در حکم خویش صادر نماید. انواع مجازات جایگزین حبس در سیاست تقنینی افغانستان به

۶. ماده کد جزا در زمینه چنین مشعر است: «جزاهای بدیل حبس با در نظر داشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی‌علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود».

دودسته تقسیم شده است. نخست که به صورت سنتی یا کلاسیک یاد می‌گردد و این گونه مجازات جایگزین حبس در قانون اجراءات جزایی و سایر قوانین از دیرزمانی بدون اینکه آن را در واژه مجازات جایگزین حبس استفاده نماید، مورد کاربرد قرار داده است؛ اما گونه نوین یا معاصر مجازات جایگزین حبس تحت عنوان بدیل حبس در کد جزای مصوب ۱۳۹۶ هجری- خورشیدی بیان شده است. ماده ۱۵۰ کد جزا در زمینه چنین مشعر است: «جزاهای بدیل حبس عبارت اند از دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل است که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می‌گردد» (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۶: ۱۹). حال با توجه به آنچه در فوق بیان شد، انجام خدمات عامه به عنوان یکی از معمولی‌ترین و پرکاربردترین نوع مجازات جایگزین حبس، مبحث قابل تأمل این نوشتار است.

یکی از مجازات جایگزین حبس، انجام خدمات عمومی یا خدمات عام‌المنفعه است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد یا بدون آن، محکوم می‌گردد. این نوع مجازات در جهت بازپروری و اصلاح محکوم‌علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به حبس است (دهقان، ۱۴۰۰: ۸).

پژوهشگر بر این نظر است که برای درک از جایگاه و کاربرد خدمات عامه در مفهوم بدیل حبس، بایستی تحت چند عنوان مطالب مربوط به این بخش را به بحث و بررسی گیریم اینک طی شماره‌های زیر مفاهیم و موضوعات مربوط این مبحث را نخست شرح داده سپس در حد وسع نویسنده به نقد گرفته خواهد شد.

۱. **شرایط و الزامات حاکم بر شخصیت محکوم‌علیه (در حکم خدمات عامه):** انجام خدمات عمومی نسبت به هر مجرمی صادر نمی‌شود بلکه محکمه نسبت به مجرمینی اقدام به صدور حکم انجام خدمات عامه می‌نماید که دارای شرایط و معیارات زیر باشد:

- سن محکوم
- جنسیت محکوم
- نوعیت جرم
- توانایی جسمی یا روانی
- شغل و مهارت
- وضع اقتصادی و اجتماعی

در زمینه حداقل و حداکثر معیارات و شرایط فوق سیاست جنایی کشورها با دو رویکرد عمل نموده است. رویکرد نخست اینکه آن را جزء صلاحیت‌های قاضی دانسته، محکمه در تعیین نوع و اندازه کار خدمات عامه باید سن، ذوق، استعداد، توانایی و وضع روانی محکوم را در نظر گیرد (دهقان، ۱۴۰۰: ۹) رویکرد دوم اینکه تعیین مراتب کمی و کیفی آن توسط مقنن در متن قانون پیش‌بینی گردیده است. سیاست تقنینی افغانستان پیرو رویکرد دوم است. حال با توجه به الزامات و شرایط مندرج قانون در حکم به خدمات عامه، هر یک به صورت جداگانه به بحث گرفته می‌شود:

• **سن محکوم‌علیه:** یکی از شرایط مهم در انجام خدمات عمومی، رعایت سن قانونی کار است که مطابق ماده ۴۹ ق.ا. و جزء ۲ فقره (۱) ماده ۱۳ قانون کار و اسناد بین‌المللی، سن قانونی کار باید در حکم محکمه لحاظ گردد (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۴۹) و (همت، حیدر پور و تنها، ۱۳۹۷: ۹۲). برحسب فقره چهارم ماده ۱۶۲ کد جزا به حداقل سن محکوم‌به انجام خدمات عمومی توجه نموده است در این زمینه محکوم‌علیه زیر سن ۱۵ سال محکوم‌به انجام خدمات عامه شده نمی‌تواند.^۷

• **جنسیت محکوم‌علیه:** اگر محکوم‌علیه از طبقه نوجوانان و زنان باشد، حکم به خدمات عمومی بایستی در بستر قوانین و ضوابط ویژه آنان صادر گردد. هرگاه اگر محکوم‌علیه از جنس زن باشد، حکم فقره ۲ ماده ۹ قانون کار در مورد

۷. ماده ۱۶۲ (... شخص زیر ۱۵ سال به انجام خدمات عامه محکوم‌شده نمی‌تواند...).

امتیازات دوران حاملگی نسبت به آن رعایت شود. همچنان جزء ۲ و ۳ ماده ۳۱ قانون کار در مورد کار نوجوانان و حکم فقره ۴ ماده ۱۳ قانون کار در مورد کارهای مضر صحت به نوجوانان و زنان باردار که مانع رشد آنها می‌گردد؛ نیز رعایت شود. زنان و کودکان دو قشر مهم و حیات‌بخش جامعه بشری است، بدیهی است که نظام‌های حقوقی عدول مثبت در حمایت از این دو قشر جامعه می‌نماید؛ چراکه زنان به علت داشتن نقش مادری و همسری، هسته همزیستی رشد مدار را در خانواده ایجاد می‌نماید و نوجوانان ذهنیت‌های آماده جذب، رشد و تعالی جوامع‌اند، از همین رو کلیه نظام‌های حقوقی در هر جامعه‌ای؛ حمایت کیفری نسبت به این دو قشر نموده است (طغرا نگر، ۱۳۸۶: ۹).

به نظر می‌رسد قانون‌گذار به توانایی جسمانی و روانی زنان و خردسالان در ارائه خدمات عمومی توجه نموده است. سیاست‌گذاران جنایی برای رهایی محکومان خردسال و زنان از مجازات سالب آزادی تدبیر انجام خدمات عمومی را هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی شناسایی کرده‌اند (همت، حیدر پور و تنها، ۱۳۹۷: ۹۵).

۲. شرایط و الزامات حاکم بر کیفیت حکم به خدمات عامه:

- **تعیین میزان و نوعیت خدمات عامه:** یکی از شرایط حکم به خدمات عامه، تعیین مدت‌زمانی و نوعیت خدمات عمومی کار است. محکمه باید مدت‌زمانی را که محکوم‌علیه به انجام خدمات عمومی بپردازد، مشخص نماید. هرچند در این شرط کشورهای دیگر در نظام حقوقی‌شان، هم به مدت‌زمانی انجام خدمات عمومی توجه کرده و هم به نوعیت خدمات عمومی؛ اما نظام حقوقی افغانستان فقط در مورد مدت‌زمانی کار عمومی توجه نموده است (والهی و احسان پور، ۱۳۹۴: ۲۶۹). طبق فقره ۵ ماده ۱۶۲ کد جزا، مدت‌زمانی کار خدمات عمومی وابسته به دو معیار شده است. محکمه مکلف است در زمان تعیین مدت‌زمانی کار؛ درجه جرمی (شدت و خفت) و شخصیت مرتکب را مدنظر گیرد (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۴۹). نوعیت انجام کار خدمات عمومی در نظام حقوقی افغانستان تعیین نشده حال آنکه نظام‌های حقوقی سایر کشورها فهرستی از کارهای عمومی به نفع جامعه را، ترتیب نموده، جهت انجام آن از سوی مرتکب به وی پیشنهاد می‌نمایند.^۸ اما سیاست تقنینی افغانستان در زمینه نوعیت کار خدمات عمومی در فقره ۲ ماده ۲۸ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز محکمه را ذیصلاح در تعیین نوع کار دانسته است. در این زمینه فقره ۲ ماده ۲۸ قانون مزبور، چنین مشعر است: «محکمه صلاحیت دارد که با توجه به سن، توان بدنی و اصلاح محکوم‌علیه هم نوع کار خدمات عمومی و هم میزان ساعت انجام آن را تعیین نماید.^۹

- **تعیین میزان ساعات انجام خدمات عامه:** شرط دیگری که مقنن در رابطه به انجام خدمات عمومی در کد جزا لحاظ نموده، عبارت از میزان ساعت انجام کار در یک شبانه‌روز است. میزان ساعت انجام خدمات عامه حداقل ۴ ساعت و حداکثر ۸ ساعت در نظر گرفته شده است. طبق فقره ۲ ماده ۲۸ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز محکمه صلاحیت دارد که در صورت اصلاح محکوم‌علیه؛ نوع خدمات عمومی و میزان ساعت کاری آن را تغییر دهد. چنانکه یکی از مصادیق عینی در تعیین و تغییر نوع و میزان خدمات عمومی رعایت فقره دوم ماده ۱۶۲ کد جزا است. در این زمینه فقره ۲ ماده مذکور چنین مشعر است: «... در مورد محکومیت به خدمات عمومی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی فرد ملاحظه شود و گماردن شخص به کار خدمات عمومی نباید به اداره و پیشبرد امور روزمره‌ی محکوم‌علیه آسیب برساند (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵۰ و ۴۴۸) و (کریمی، ۱۴۰۰: ۱۰).

- **دوسویه بودن حکم به انجام خدمات عامه:** هدف از انجام خدمات عمومی فراهم کردن مجازات اجتماعی سودمند است. که از طریق اعمال آن؛ از یکسو، زمینه اصلاح مجرم را افزایش داده و از سوی دیگر، باعث تنبیه محکوم‌شده و خطر تکرار جرم را کاهش می‌دهد، از همین رو؛ تدبیر مزبور در حکم محکمه به محکوم پیشنهاد می‌شود. انجام خدمات عمومی

۸. انواع کارهای عام‌المنفعه عبارت‌اند از: ۱. کار در بیمارستان‌ها و آسایشگاه‌های سالمندان؛ ۲. شرکت در کارهای باستانی؛ ۳. کارهای ساختمانی

دولتی؛ ۴. اشتراک در صنف‌های آموزشی، فنی، حرفه‌ای، راهنمایی و رانندگی و بهداشتی؛ ۵. پاک‌سازی بزرگراه‌ها، پارک‌ها و اماکن عمومی.

۹. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی در زمینه اعمال و تطبیق بدیل‌های حبس جریده رسمی، شماره (۱۲۸۶) وزارت عدلیه.

هرچند جنبه کیفری جایگزین حبس را دارد اما کیفر قراردادی است که به رضایت محکوم‌علیه بستگی دارد. این سخن به این معنی است که محکوم‌علیه متحمل کیفر نشده بلکه آن را با رضایت خویش می‌پذیرد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۳). در این زمینه فقرة ۳ ماده ۱۶۲ کد جزا در تعیین مجازات انجام خدمات عمومی، اخذ رضایت محکوم‌علیه را حتمی دانسته است. حکم به خدمات عمومی محدودیت‌های جسمانی و روانی به محکوم‌علیه دارد، لذا محکوم‌علیه نسبت به اجرای آن به‌طور دقیق آگاه و راضی باشد؛ تا از یکسو زمینه اصلاح فراهم گردد و از سوی دیگر حکم به مجازات خدمات عمومی از بیگاری و کار اجباری تفکیک گردد (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۴۹). کار اجباری که به عبارت عرفی از آن به بیگاری یاد می‌گردد طبق ماده ۴۹ ق.ا. ممنوع گردیده است.

• **تعیین دستمزد قسمی:** یکی از مزایای کد جزا در حکم به خدمات عمومی این است که به قضات صادرکننده حکم این صلاحیت را داده، در صورتی که وضعیت اقتصادی محکوم‌علیه خوب نباشد؛ می‌توانند که در حکم به انجام خدمات عمومی دریافت قسمتی از مزد را نیز پیش‌بینی نموده و نهاد پرداخت‌کننده آن را معین سازد. این تدبیر مقنن در کد جزا یکی از ابزارهای قضایی سیاست فردی کردن مجازات است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). در تعیین دستمزد قسمی سیاست تقنینی افغانستان در قانون محابس و توقیف خانه‌ها نیز توجه نموده است. در این زمینه ماده ۲۴ قانون مزبور تعیین ۶۰٪ مزد فرد آزاد را در برابر کار انجام‌یافته از سوی فرد زندانی پیش‌بینی نموده است (اکبری، ۱۳۹۶: ۱۲۰). فقرة اول ماده ۱۶۲ کد جزا اصل فردی کردن جزا را لحاظ نموده و محکمه را صالح دانسته تا با توجه به وضعیت معیشتی محکوم‌علیه وی را با دریافت مزد به‌صورت قسمی و یا بدون دریافت مزد به انجام خدمات عام‌المنفعه محکوم نماید (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۴۷). تعیین قسمی دستمزد برای محکوم‌علیه در برابر انجام خدمات عامه؛ ممکن است در یک نظر به‌عنوان مشوق جرم نیز تبدیل گردد، چراکه در جامعه افغانستان با توجه به میزان بالای نرخ بیکاری محکوم‌علیه پس از سپری نمودن مدت‌زمانی کار خدمات عمومی، دوباره به ارتکاب مجدد جرم رو آورد؛ از همین رو مقنن در کد جزا تعیین دست مزد قسمی و مقدار آن را منوط به صلاحیت قاضی و محکمه دانسته است.

• **رعایت قوانین امور کار:** رعایت قوانین و مقررات مربوط به کار یکی از الزامات است که در حین انجام خدمات عامه بایستی به آن توجه شود. مقنن در ماده ۱۶۴ کد جزا در این زمینه چنین پیش‌بینی نموده است: «محکمه مکلف است حین حکم به خدمات عامه، قوانین و مقررات مربوط به شرایط ویژه کار زنان و نوجوانان، بهداشت، ضوابط کارهای دشوار، ثقیل و مضر صحت را رعایت نماید. محکمه در زمان صدور حکم به خدمات عمومی مکلف است نکات زیر را لحاظ نماید:

✓ **رعایت ضوابط فنی، ایمنی و بهداشت:** مقررات فنی، ایمنی و بهداشت با توجه به نوع کار، امکانات و ابزار که برای حفظ بهداشت کارکن اجتماعی، صحت و سلامتی آن لازم است؛ رعایت آن‌ها مورد حکم محکمه قرار گرفته و از طرف مؤسسه استحصال خدمت، باید تطبیق و اجرا شود. مراجع مختلف و متعدد استحصال خدمت را ماده ۲۴ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز مشخص کرده است.

✓ **رعایت قوانین ویژه کار دشوار، سنگین و مضر صحت:** هرگاه محکمه محکوم‌علیه را به انجام خدمات عمومی دشوار، سنگین و مضر صحت محکوم نماید مکلف است مرجع استحصال خدمت را به رعایت شرایط و امکانات لازم کار مزبور ملزم سازد. مانند کار صحی در زمان شیوع ویروس کرونا یا شرایط کار در معادن از نمونه‌های کار خدمات عمومی سنگین و مضر صحت شمرده شده و برای اجرای آن قوانین و شرایط ویژه نیاز است (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵۱).

• **تعلیق و تبدیل خدمات عامه:** انجام خدمات عمومی به‌عنوان یکی از بدیل‌های حبس است که مهم‌ترین هدف آن اصلاح و عدم طرد محکوم از جامعه است. تحقق اهداف فوق بایستی در تمامی مراحل اجرای خدمات عمومی مدنظر قرار گیرد. محکوم‌علیه چنانکه قبلاً گفته شد این واکنش را با رضایت کامل خویش انتخاب می‌نماید. این امر باعث می‌شود که از یکسو موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود را از دست ندهد و از سوی دیگر، باعث تقویت اراده و توان وی برای انجام کار و تخصصی که

1 .Individual of Punishment 0

دارد می‌گردد. لذا با توجه به توضیحات فوق؛ هرگاه محکوم‌علیه در جریان انجام خدمات عمومی با معذوریت‌های جسمانی، روانی، معیشتی و خانوادگی روبرو گردد؛ محکمه می‌تواند بر اساس درخواست محکوم‌علیه یا وکیل مدافع یا سارنوال مربوطه به‌عوض کار عام‌المنفعه یکی از تدبیرهای ذیل را مورد حکم مجدد قرار دهد:

✓ **تعلیق حکم خدمات عامه:** هرگاه محکوم‌علیه به دلیل عدم توانایی جسمی یا مشکلات خانوادگی قادر به ادامه خدمات عمومی نباشد، محکمه می‌تواند مطابق درخواست یکی از مراجع درخواست‌کننده فوق خدمات عام‌المنفعه را حداکثر به مدت سه ماه در دوره محکومیت معلق نماید. مدت مذکور از عبارت «در طول دوره محکومیت» قابل استفاده یک‌باره و یا هم‌متناوب را نشان می‌دهد. این سخن به این معنی است که هرگاه اگر شخصی را محکوم به خدمات عمومی نماید و در جریان انجام خدمات عمومی، محکوم‌علیه دچار بیماری یا مشکلات خانوادگی گردد؛ محکمه بر اساس درخواست مرجع مربوطه، جهت رفع معضل محکوم‌علیه تعلیق حکم به خدمات عمومی را از یک ماه الی سه ماه صادر نماید (داچک، بی‌تا: ۱۲۸).

✓ **تبدیل خدمات عام‌المنفعه:** در این تدبیر محکمه برحسب درخواست مرجع مربوطه؛ می‌تواند حکم به خدمات عمومی را به نوع دیگری از مجازات جایگزین حبس تبدیل نماید. محکمه با در نظر داشت وضعیت صحتی و خانوادگی محکوم-علیه می‌تواند حکم به خدمات عمومی را به دوره مراقبت تبدیل نماید. با توجه به عبارت «بر اساس تقاضای محکوم‌علیه ...» محکمه صلاحیت تعلیق یا تبدیل حکم به خدمات عمومی را به سایر انواع مجازات بدیل حبس دارا می‌شود (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵۳).

• **ضمانت اجرای خودداری از انجام خدمات عامه:** یکی از ویژگی‌های نظام بدیل‌های حبس در نظام حقوقی افغانستان، داشتن قابلیت تغییر و تجدیدنظر است. جهت تأثیرگذاری، بدیل‌های حبس بر محکوم‌علیه، شرایطی بر محکوم‌علیه و محکمه پیش‌بینی گردیده که هردو طرف بایستی آن را رعایت نماید (داچک، بی‌تا: ۱۳۰). اگر محکوم‌علیه از انجام کار عام-المنفعه یا از مقررات انجام کار، بدون عذر موجه تخلف ورزد؛ پیامدهای ذیل را به حیث ضمانت اجرای حکم به خدمات عمومی در پی دارد:

✓ هرگاه محکوم‌علیه برای بار اول از انجام خدمات عمومی یا از مقررات مربوط به آن، تخلف نماید محکمه حداکثر الی ۸۰ ساعت به‌ساعت‌های انجام خدمات عمومی وی اضافه می‌نماید. بحث قابل تأمل در این بخش این است که قانون‌گذار بدون توجه به اصل قانونی بودن جرم و جزا صرفاً میزان حداکثری ضمانت اجرای عدم انجام خدمات عمومی را بیان نموده، حال آنکه باید حداقل آن را نیز مثل سایر مجازات بیان می‌نمود. این فقره ماده ۱۶۶ کد جزا از دو منظر قابل نقد است: نخست اینکه در تعیین حداقل ساعت اضافه‌شده بی‌توجه بوده و در ثانی زمینه سوی استفاده را در زمینه اعمال آن فراهم آورده است. حداقل ضمانت اجرای عدم انجام خدمات عمومی در سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران چنین بیان شده است: «در صورت تخلف

۱۱. درباره دوره مراقبت به‌عنوان یکی از بدیل‌های حبس، ماده ۱۵۸ کد جزا چنین مشعر است: «دوره مراقبت عبارت از مدتی است که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر تا پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم می‌نماید:

۱. اقامت در محل معین؛
۲. منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین؛
۳. ملزم ساختن به اشتراک در جلسات مشورتی ماهانه یا کمتر از آن؛
۴. حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی؛
۵. مساعدت به مجنی علیه در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم و کسب رضایت مجنی‌علیه؛
۶. حضری دادن به دفتر پلیس یا مرجعی که محکمه تعیین می‌نماید؛
۷. ترک معاشرت با اشخاصی که محکمه معاشرت با آن‌ها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص دهد؛
۸. منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید؛
۹. الزام به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پابندی به آن؛
۱۰. اقدام به درمان اختلال‌های روانی، رفتاری و جسمانی.

از اجرای حکم به مجازات بدیل‌های حبس از یک‌چهارم (۱/۴) تا یک‌دوم (۱/۲) به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود (کریمی، ۱۴۰۰: ۱۵).

✓ اگر محکوم‌علیه برای بار دوم مرتکب تخلف در انجام خدمات عمومی یا شرایط مقرر برای انجام کار شود، محکمه به درخواست سارنوال مربوطه، می‌تواند مدت باقی‌مانده خدمات عام‌المنفعه وی را به حبس تنفیذی تبدیل نماید. در این صورت مدت خدمات عمومی که در حکم محکمه به‌عنوان مجازات اصلی نسبت به محکوم‌علیه صادر شده بود، به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد. هرگاه اگر خدمات عمومی به حبس تنفیذی تبدیل شود محکوم‌علیه طبق فقره سوم ماده ۱۶۶ کد جزا در برابر هر ۸ ساعت خدمات مکلف به سپری نمودن یک شبانه‌روز به حبس می‌گردد (ادریس الهام و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵۴).

با توجه به توضیحاتی که در این بخش ارائه شد، به نظر نگارنده نکته قابل‌تأمل این است که در صورت تکرار تخلف از سوی محکوم‌علیه، محکمه زمانی قادر به تغییر حکم به خدمات عمومی به حبس تنفیذی می‌گردد که از سوی سارنوال پیشنهاد شده باشد؛ حال آنکه در نظر گرفتن چنین قیدی در حکم فقره دوم ماده ۱۶۶ کد جزا صلاحیت محکمه را تحدید می‌نماید. خوب خواهد بود که قیدی (بر اساس پیشنهاد سارنوال) در متن ماده‌قانون جا نمی‌گرفت.

۵: نتیجه‌گیری

بزهکاری و ارتکاب جرم از سالیان دور به‌عنوان عمده‌ترین آسیب، روابط فرد و جامعه را مورد خدشه قرار داده است. برای رفع این آسیب، واکنش‌های فردی و اجتماعی نیز پیوسته در برابر آن به‌صورت تدافعی و تنبیهی نمود یافته و در قالب اعمال مجازات گوناگون تجلی پیدا کرده است. وضع و ایجاد قوانین جزایی برای حفاظت از حقوق و آزادی‌های افراد از یکسو و حفظ نظم عمومی و استقرار عدالت در جامعه از سوی دیگر موضوعی است که از دیرزمان لازم و ضروری می‌نماید. سیاست تقنینی کشورها با توجه به اصول حاکم بر امور کیفری جزاهای مختلف و متنوع همچون: مجازات سالب حیات، مجازات جسمانی، مجازات سالب آزادی، مجازات سالب مال و... را جهت تحقق اهداف معین و مشخص پیش‌بینی نموده است. در میان انواع مختلف واکنش‌های کیفری یکی از محبوب‌ترین نوع آن، مجازات سالب آزادی (حبس) است که از سوی دانشمندان و کلیه نظام‌های حقوقی قابل‌قبول بوده است.

پس از ظهور عقاید دانشمندان مکاتب کیفری و نارسایی زندان در تحقق اهداف مجازات؛ راهکارهای واکنشی نوینی مطرح و سپس موردقبول اکثری از نظام‌های حقوقی قرار گرفت. کیفر حبس نسبت به برخی از بزهکاران مؤثر واقع نشده و آثار زیانباری را در زندگی فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌نماید. از همین رو اکثری از نظام‌های حقوقی به سیاست‌های جایگزینی رو آورده و با الهام از نظریات مکتب دفاع اجتماعی نسبت به جرائم کم‌اهمیت و مجرمین کمتر خطرناک از جایگزین کیفر حبس در دو گونه سنتی و نوین استفاده نمودند. اینک نتیجه این نوشتار در طی ۸ شماره به توضیح گرفته می‌شود:

۱. مبانی پذیرش سیاست جایگزین کیفر حبس عبارت‌اند از: نارسایی کیفر حبس در تحقق اهداف اعمال مجازات، تأثیر اندیشه دانشمندان مکاتب کیفری در تعدیل و تحدید قلمرو مجازات کیفر حبس و استفاده از کیفر جایگزین حبس و ویژگی‌های مجازات جایگزین حبس است.

۲. نظام حقوقی افغانستان در سند تقنینی (کد جزا) استفاده از جایگزین حبس با توجه به اهداف قابل وصول و برحسب نارسایی زندان پیش‌بینی نموده است.

۳. استفاده از بدیل‌های حبس به‌عنوان رهایی مقید در همه انواع مندرج کد جزا بیان شده است.

۴. بدیل‌های حبس به‌عنوان کیفر اصلی در کد جزا نمود یافته است. چراکه در صورت تخلف از آن مجازات بدیل حبس به اصل خویش یعنی کیفر حبس برمی‌گردد. به این مفهوم که مجازات جایگزین حبس را نمی‌توان مجازات بدلی تلقی نمود.

۵. خدمات عام‌المنفعه عبارت انجام کاری است که به نفع عموم باشد. یا به‌عبارت‌دیگر خدمات عمومی کاری است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد یا بدون آن، محکوم می‌گردد.

۶. خدمات عامه دارای مفهوم وسیعی است که در کد جزا بیان شده است.

۷. شرایط و الزامات اعمال حکم به خدمات عمومی خالی و عاری از ایرادات نبود که در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

و: منابع و مآخذ

کتب:

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
 ۲. اکبری، روح‌الله (۱۳۹۶)، جزا شناسی، کابل: انتشارات مقصودی.
 ۳. ادريس الهام و ديگران، (۱۳۹۸)، شرح کد جزا، ج ۱، کابل: انتشارات بنياد آسيا.
 ۴. پرادل، ژان (۱۳۹۳)، تاريخ اندیشه‌های کيفري، ترجمه علي حسين نجفي ابرندآبادي، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
 ۵. تبسم، ادريس (۱۳۹۹)، تاريخ تحولات حقوق جزا، چاپ اول، کابل: انتشارات نويسا.
 ۶. دانش، حفيظ الله (۱۳۹۶)، جزا شناسي، کابل: انتشارات مقصودي.
 ۷. عميد، حسن (۱۳۶۵)، فرهنگ عميد، ج ۲-۳، تهران: انتشارات اميرکبير.
- مقالات:
۸. اجتنابی، مریم (۱۳۹۷)، بررسی کيفري مجازات جايزگزين حبس، فصلنامه علمی-حقوقی قانون يار، دوره دوم شماره ۸.
 ۹. احمدی، روح‌الله (بی‌تا)، دهمین کنفرانس بين‌المللی دستاوردهای نوين پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی.
 ۱۰. بیگی، سحر (۱۳۹۸)، میزان بازدارندگی مجازات جايزگزين حبس از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ در شهرکرد، فصلنامه بين-المللی قانون يار، دوره سوم، شماره ۱۲.
 ۱۱. پرچمی، داود و درخشان، فاطمه (۱۳۹۷)، بررسی مجازات اجتماعی جايزگزين حبس و کاهش جرم، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۴۰.
 ۱۲. توجهی، عبدالعلی و زارع، ابراهيم (۱۳۹۸)، سابقه محکومیت کيفري به‌عنوان جلوه‌ای از «حالت خطرناک» و کاربست آن در مجازات جايزگزين حبس، آموزه‌های حقوق کيفري، شماره ۱۷.
 ۱۳. خاکساری، داوود و غلامی، حسين (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر صدور مجازات جايزگزين حبس، فصلنامه پژوهش حقوق کيفري، سال هفتم، شماره ۲۶.
 ۱۴. داچک، هادی (۱۳۹۹)، مجازات جايزگزين حبس و تأثیر آن بر کاهش جمعیت کيفري زندان، مجله بين‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، شمار ۵۴.
 ۱۵. دهقان، علی محمد (۱۴۰۰)، مروری بر مجازات جايزگزين حبس با تأکید بر خدمات عام‌المنفعه، فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوين، دوره ۲ شماره ۳.
 ۱۶. زارع، ابراهيم، شمس‌ناتری، محمدابراهيم و قاسمی، مجتبی (۱۳۹۸)، نقش نهاد تعدد جرم در تعیین مجازات جايزگزين‌های حبس؛ تخفيف يا تشديد، پژوهش حقوق کيفري، دوره نهم شماره ۳۳.
 ۱۷. طفرانگار، حسن (۱۳۸۷)، جايزگزين‌های کيفر حبس در حقوق فرانسه، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۷۷.
 ۱۸. کریمی، محمدکاظم (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر مجازات جايزگزين حبس بر باز اجتماعی شدن مجرمين و پیش‌گیری از تکرار جرم، فصلنامه علمی-حقوقی قانون يار، دور پنجم، شماره ۱۹.
 ۱۹. مجیدی بيدگلی، کبرا و صفا کيش کاشانی، سمیه (۱۳۸۶)، آسیب‌های ناشی از مجازات زندان، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱.
 ۲۰. مهدوی فر، مرتضی و صمدی اندزقی، علی (۱۴۰۰)، تدابیر تقنینی اجتناب از زندانی کردن مجرمان به‌عنوان راهکاری مناسب در راستای مجازات جايزگزين حبس، دو فصلنامه بين‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول، شماره ۲.

۲۱. همت، مسعود، حیدر پور، حمیدرضا و ژیلا بزی تنها (۱۳۹۷)، مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و آمریکا)، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری شماره ۳۷.

۲۲. والهی، حمید و احسان پور، سید رضا (۱۴۰۰)، جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن‌ها در نظام کیفری ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۲۳.

قوانین:

۲۳. وزارت عدلیه (۱۳۸۲)، قانون اساسی جریده رسمی، فرمان (۱۰۳)، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.

۲۴. وزارت عدلیه (۱۳۸۷)، قانون کار جریده رسمی شماره (۹۶۶)، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.

۲۵. وزارت عدلیه (۱۳۸۴)، قانون محابس و توقیف خانه‌ها جریده رسمی، شماره (۳۲۱۹)، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.

۲۶. وزارت عدلیه (۱۳۹۶)، کد جزا، جریده رسمی، فرمان (۹۱۰)، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.

۲۷. وزارت عدلیه (۱۳۹۸)، ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل‌های حبس و حجز جریده رسمی شماره ۱۲۸۶، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.